

ترا پرستش می کنیم و از تو یاری می جویم

بنامه ... "جبهه ملی را باید مرکز احزاب کشور دانست که همه به یک اصل معتقد باشند و آن آزادی و استقلال مملکت است. چنانچه احزاب و اجتماعات در جبهه شرکت نکنند، جبهه همان میشود که کون شده است ..."

«دکتر محمد مصدق»

۲۵۲۴۷۷۹

۱۳۸۱۸۸۷

بخشی از سیاهه ی عملکرد

زنان و مردان ایران زمین

در روزگاری چنین سخت و فضايلت سوز با کارنامه ای سیاه و تنگین از کشتار قهرمانان ملی مردم ایران **داریوش و پروانه فروهر**، نویسندگان دگراندیش میهن، اینفار یورش به کوی دانشگاه، سرکوب دهمنشانه دانشجویان و جوانان آزادیخواه، به بند کشاندن بسیاری از مردم، از کوشندگان جنبش دانشجویی و مبارزان ملت گسرای میهن هم چون ناصر زرافشان، حجت الاسلام حسن اشکوری، خسرو کردپور، حشمت الله طبرزدی، علی افشاری، احمد باطنی، منوچهر و اکبر محمدی، مهرداد لهراسی و دیگر چهره های دگراندیش چون عبدالله نوری، اکبر گنجی و عمادالدین باقی و ...، فرار مغزها از در و دیوار کشور، در این سالهای اختناق و سیاه دیکتاتوری به همراه نبود عدالت اجتماعی، گرانی مهارگسیخته، برهنگی، بیکاری، بی سرباهی، اعتیاد و فقر سیاه که اخلاق ملی را یکباره به کزراهه و تیاهی سوق دادند و از سوی زمامداران کشور در برابر حیثیت ذاتی انسان به ویژه انسان ایرانی در این نیاخاک یزدانی نه تنها کوچکترین نگرش درستی انجام نگرفته، نه فقط مردم روز به روز به سیه روزی بیشتری دچار گردیده اند، بلکه مائسین اعدام و سنگسار، همچنان قربانی می طنبد؛ از آنجمله از هموطنان عبور کرد، به جای نان و آب، کار و تحصیل و جبران محرومیتها و گذشته ای که بر آنها تحمیل شده است می شنویم که چند تن از فرزندان کرد هم میهنان به گناه نامعلوم محکوم به مرگ شدند، تا در پیشگاه صدابیان بعضی ادای وفاداری کرده باشند، که صدام از گردان گرد، این قهرمانان هم میهن مان هرگز دل پاک نخواهد کرد، چراکه مطمئن است سرانجام آنها "سر خصم به دار سازند آونگ"

... وقتی ملتی تصمیم گرفت و اتحاد و یگانگی خود را حفظ کرد، هیچ نیروی نمی تواند بر خلاف میل او اقدامی بکند.

«شهید دکتر سید حسین فاطمی»

هموطنان

بهوش باشید. ندانم کاری و غفلت در وضع اضطراب انگیز کنونی که زنگهای خطر در چهار گوشه ی ایران زمین به صدا درآمده است ، به جوی باج ندادن به روس ها ، به جای بازگرداندن حقوق از کذب رفته در خزر و خلیج فارس ، به سرکوب ملت روی آورده اند ، غاصبان و ربایندگان حقوق اجتماعی ملت که بدون تردید با واژه های استقلال و آزادی و مردم سالاری بیگانگی دارند در مسیر ستمگری و ناآگاهی ، کشور را روز به روز به ورطه ی سقوط و وابستگی رسانند و با ایجاد انحراف در شعار مقدس « عدالت اجتماعی » به سرکوب عدالتخواهان راستین ، نه تنها نابهنجاری های نظام فرو ریخته گذشته را سرمشق خود کرده اند ، بلکه ارزشهای انسانی را به ضد ارزش های انسانی چون لجهل ، ارتجاع و الیگارش می بدل ساختند .

زنان و مردان آزاده

کشتن قهرمان ملی ایران داریوش قروهر و همسر وفادار و مبارزش پروانه فروهر و به بند کشیدن ناصر زرافشان که گناهی جز دفاع از حق و آزادی ندارد نشان از کینه ورزی و عناد و دژخیم صفتی کارگزارانی است که آمر و عامل این جنایت هولناک بودند که هنوز هم به ملت ایران معرفی نشده اند ، این جنایت بزرگ انتقام استعمار پیر و وابستگانش از کسانی است که ریشه در اندیشه های راستین و کردارهایی دارند که مصدق بزرگ تمام جاودانه آن است که هنوز در حیات اجتماعی و ملی ایران زنده و امیدبخش است ، - بگذارید بوق های وابسته و دست نشاندۀ هر چه می خواهند بگویند .

جیش های سالهای اخیر نشان می دهد که برپایه ی ارزش های نوین ، مصدق همچنان اتهام بخش مبارزات مردم ایران به ویژه نسل جوان به پا خاسته می میهن است ، اگر گذشته پندآموز آینده باشد ، آیا آنان که با تفسیرهای ناآگاهانه و دشمنانه ی خود بیست سال رو در روی آزادی های طبیعی ایستادند و حتی حقوق تصریح شده در قانون اساسی برتقص کنونی کشور را نیز پایمال کردند و با ثروت اندوزی و تبعیض و حیف و میل های خود مردم ستمدیده ی کشور را به ستوه در آوردند و دستهای ناپاک خود را با خون جوانان ، زنان و مردان ، مبارزان و رهبران استقلال و آزادی ایران رنگین کردند توان آن را دارند که از گذشته ی تاریخ درس عبرت گیرند ؟

حزب ها را بستند ؛ سندیگانها ، سازمانها و گروههای سیاسی را تعطیل کردند ، روزنامه نگاران حقوق و روشنگر را به بند کشیدند و خود منادی یک صدا و یک روش و یک اندیشه را در برتو سرابیزه ، زنجیر و چماق بر جامعه حاکم ساختند ، آیا پیدار شدند ؟ هرگز . چون خودکامه نمی شنود ، جز آنچه خود می گوید ، خودکامه نمی بیند جز آنچه خود می بیند .

حزب ملت ایران با باور راسخ به اصول ارزشمند نهضت ملی ایران و منطبق تاریخی و فرهنگی ملت گرایي و خواست اصیل ، استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی ، بر این باور است که برای برون رفت از تیره روزی کنونی به دور از هرگونه خستونت ، باید کوشش های سازنده ی خود را در جهت اتحاد نیروهای ملی به کار انداخت و تا برقراری سامان مردم سالارانه دست از مبارزات خود بر نداشته و تا زمانی که چهره ی ضد انسانی آمران و عاملان قتل های سیاسی به ملت ایران شناسانده نشوند و مسببان اینهمه ناسامانی های اقتصادی ، اجتماعی ، فرهنگی و سیاسی بر ملت روشن نشود ، از پای نخواهد نشست .

اکنون که در آستانه ی یکم آذر ، چهارمین سال شهادت فرهیختگان - قرار داریم ، بکوشیم تا آیین بزرگداشت آن دو قهرمان آزادیخواه ملی را هرچه باشکوهتر برگزار نمائیم .

برچیده بادبساط یکه تازی

درد بر زندانیان سیاسی و همزمان و هواداران حزب ملت ایران
درد بر داریوش و پروانه فروهر ، رهگشایان ملت گرایي و مردم سالاری ایران
بیروز باد ملت

دبیرخانه حزب ملت ایران
تهران - ششم آبانماه ۱۳۸۱